

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال ششم ♦ شماره ۲۲ ♦ تابستان ۱۳۹۵  
صفحات: ۷۴-۵۵ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۱ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۰۲/۲۸



## درآمدی بر جریان فکری لیبرال‌های سعودی

محسن عبدالملکی\*

### چکیده

حضور جریان لیبرال در عربستان، میزان نفوذ، مراحل و پیامدهای آن بر آل سعود، از جمله مسائل پرمناقشه در سال‌های اخیر بوده است. با آن که برخی منکر وجود چنین جریانی در عربستان‌اند، برخی بدان اقرار نموده و از گستره نفوذ آن سخن گفته‌اند. فضای بحرانی دهه ۱۹۹۰م، تجدیدنظرطلبی برخی از وهابیان، غرب‌زدگی خانواده پادشاهی، اکتشاف نفت و ورود نیروی کار به عربستان با فکرها و متنوع، برخورد‌های تند و سخت‌گیرانه مؤسسات وهابی با مردم، گشوده شدن درهای اینترنت به روی ساکنان عربستان، از جمله عوامل زمینه‌ساز گسترش جریان لیبرالیسم در عربستان سعودی است. تنوع لیبرال‌های سعودی، کیفیت روابط آنها با جوامع و صحنه‌ها از دیگر مسائل مرتبط با این جریان است.

**کلیدواژه‌ها:** لیبرال‌های سعودی، عربستان سعودی، جریان‌های فکری عربستان سعودی، وهابیت.

---

\* دانشجوی دکتری وهابیت‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی.

## مقدمه

جامعه عربستان سعودی در دهه‌های پایانی قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم، شاهد رویش جریان‌های فکری جدیدی بود؛ از جمله جریان‌های نوپدید در عربستان، جریان لیبرالیسم است که طی سال‌های اخیر با مباحث و حواشی پرمناقشه‌ای همراه بوده است. این جریان شاید از بدنه اجتماعی قوی برخوردار نباشد؛ اما در میان نویسندگان و مسئولان به ویژه خانواده پادشاهی، حامیان فراوانی دارد؛ از این رو بررسی و تحقیق در این باره و سنجش آن در میان دیگر جریان‌های فکری عربستان ضروری است.

جریان فکری لیبرال در عربستان سعودی و کشورهای عربی یک مذهب نیست، بلکه گرایشی سیاسی، اصلاحی و گفتمانی مطالبه‌گر بر محور توسعه آزادی‌های فردی و شهروندی، سکولاریسم، نسبیّت و دموکراسی است.<sup>۱</sup> در باره گستره و میزان موفقیت و نفوذ جریان لیبرال در عربستان، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است؛ برخی منکر وجود جریان با نام جریان لیبرال در عربستان شده‌اند.<sup>۲</sup> گروهی نیز این جریان را خرده گروهی ضعیف، غیرمردمی و محدود به جماعت اندکی از نویسندگان مطبوعات دانسته‌اند؛<sup>۳</sup> در مقابل برخی معتقدند گرچه لیبرال‌های عربستان فاقد تشکیلات و حزب‌اند؛ اما بسیار

۱. جمعی از نویسندگان، *اللیبرالیه فی السعودیه*، ص ۴۷۸ و ۴۷۹.

۲. یعقوب محمد اسحاق و محمود محمد بترجی، *معارک السعودیین التنویریین لمحو الظلام*، ج ۴، ص ۲۲۹۴ و ۲۲۹۵.

۳. عبدالله غدامی معتقد است لیبرالیسم در عربستان، اسمی بی مسماست. عبدالله محمد القصیبی بر این باور است که گرچه برخی از گروه‌های سیاسی ملی‌گرا، چپ، اخوانی در عربستان رشد یافتند لکن لیبرالیسم سیاسی از هیچ تشکل، حزب و گروه منظم علنی یا سزّی در عربستان برخوردار نیست؛ لیبرالیسم در عربستان از مرجعیت فکری و رهبری برخوردار نیست. ما تنها از طریق روزنامه‌ها می‌توانیم آنها را ببینیم من نام این جریان را لیبرال‌های روزنامه‌ای گذاشته‌ام لیبرالیسم چهار نوع است لیبرالیسم فلسفی، سیاسی، اقتصادی و مطبوعاتی. لیبرالیسم فلسفی هیچگاه محور سخن داعیه‌داران لیبرالیسم در عربستان نبوده و از مرجعیت فلسفی و فکری برخوردار نبوده است. لیبرالیسم اقتصادی تنها نوع حاضر و فعال در عربستان است چرا که اقتصاد عربستان از ابتدای تشکیل دولت سعودی بر پایه اقتصاد لیبرالی شکل گرفت و نظریه اقتصاد اسلامی پس از استوار شدن پایه‌های اقتصاد لیبرال در دولت سعودی طرح شد. مضاوی الرشید جریان لیبرال عربستان را یک خرده گروه درهم برهم و سیاسی می‌داند که طیف‌های مختلف شیعه، سنی، وهابی، سکولار، ناصری و دیگر اندیشه‌ها را در خود جای داده است. ر.ک: القصیبی، عبدالله محمد، *اللیبرالیه الجدیدة أسئلة فی الحریة و التفاوضیه الثقافیه*، ص ۱۷۴ و ۱۷۵؛ جمعی از نویسندگان، *اللیبرالیه فی السعودیه*، ص ۲۰۹ و ۲۱۰؛ شحبی، ابراهیم، *السلطة و الهویه ملامح من تشکلات مجتمع السعودی*، ص ۱۹۳؛ لاکروا، ستیفان، *زمن الصحوة الحركات المعاصرة الاسلامیه فی السعودیه*، ص ۳۳۳؛ مضاوی، الرشید، *عربستان سعودی و جریان‌های اسلامی جدید*، ص ۱۲۷.

<http://www.alhejaz.org/seyasah/011207.htm>

توانمند، اثرگذار، مردمی و پرجمعیت‌اند و یکی از چند بازیگردان اصلی جامعه عربستان‌اند.<sup>۱</sup> شاکر النابلسی<sup>۲</sup> معتقد است گرچه لیبرالیسم در عربستان، از تشکیلات رسمی، رهبر و پدر روحی یا سیاسی برخوردار نیست؛ اما در هر مناسبتی حاضر و حامی هر گونه تغییر و نوسازی است. اگر ماجرای روشنفکری در اروپا در میان قرن‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی مطالعه شود، دریافته می‌شود که آنان هم در ابتدا گروه‌هایی متنوع و بدون تشکیلات، در عین حال جریانی فکری و فرهنگی به شمار می‌آمدند.<sup>۳</sup>

نویسنده برای شناخت این جریان، به اختصار، مباحثی در خصوص تاریخ و مراحل شکل‌گیری لیبرالیسم در عربستان، تنوع فکری حامیان آن، موانع و مخالفان رشد لیبرالیسم و دستاوردهای آن در عربستان را جمع‌آوری و بیان کرده است. در پایان مقدمه تذکر این نکته لازم است که سخن گفتن در باب جریان فکری لیبرال‌های سعودی با دشواری‌هایی همراه است؛ از جمله می‌توان به مواردی چون وجود قانون منع تأسیس و فعالیت احزاب در عربستان،<sup>۴</sup> اتهام‌زنی و طرد افراد با برچسب لیبرال،<sup>۵</sup> نبود تعریف واحد، صحیح و جامع از جریان لیبرال در عربستان اشاره کرد.<sup>۶</sup>

۱. خانواده پادشاهی آل سعود، وهابیت درباری (سلفیه تقلیدی و سنتی)، اسلام‌گرایان اخوانی و لیبرال‌ها بازیگردانان صحنه فکری عربستان سعودی‌اند.

۲. شاکر النابلسی، اردنی تبار، نویسنده و حامی لیبرالیسم در جهان عرب است وی بیش از ۲۵ سال در عربستان زندگی کرده است.  
۳. اسحاق، یعقوب محمد و بترجی، محمود محمد، معارك السعودیین التنویریین لمحو الظلام، ج ۴، ص ۲۲۹۴ و ۲۲۹۵.  
۴. بر اساس قانون منع تأسیس و فعالیت احزاب در عربستان، هر گونه فعالیت حزبی در این کشور جرم است؛ از این رو شهروندان محافظه کار سعودی نهایت مراقبت و تلاش را برای تبرئه خود از هرگونه اتهام حزبی دارند و گروندان به احزاب، فعالیت‌های فکری و حزبی خود را بسیار آرام و مخفیانه دنبال می‌کنند.

۵. وهابیت درباری هرگونه مخالفت شهروندان سعودی با تفکر وهابیت را ناشی از میل به جریان لیبرال دانسته و عنوان لیبرال را به عنوان برچسب اتهامی علیه مخالفان به کار می‌برد. عدنان، احمد، السعودية البديلة ملامح الدولة الرابعة، ص ۲۱؛ ترکی، الدخیل، سلمان العوده من السجن الی التنویر، ص ۱۷۲.

۶. هواداری و حضور طیف‌های متنوع مذهبی و فکری مانند سلفی، وهابی، سنی، صوفی و شیعی در جریان لیبرال سعودی و بی‌توجهی نسبت به این مسأله موجب شده است تا تعاریف ارائه شده از صحت و جامعیت لازم به دور باشند. نبود اثر و تک نگاره‌ای به زبان فارسی درباره این جریان یکی دیگر از مشکلات این پژوهش است. این اولین باری است که تک نگاره‌ای - گرچه مختصر - درباره جریان لیبرال‌های سعودی به زبان فارسی نوشته می‌شود.

## تاریخ و مراحل لیبرالیسم در عربستان

اندیشه و جریان لیبرالیسم در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، سه مرحله تاریخی را طی کرده است:

- ۱- مرحله پیدایش؛ پیش از جنگ جهانی اول در قرن بیستم
  - ۲- مرحله فعالیت‌های سری و مخفیانه لیبرال‌ها؛ پس از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۶۹م
  - ۳- مرحله پس از شکست اعراب از اسرائیل در ۱۹۶۷م
- با شکست اعراب از اسرائیل در سال ۱۹۶۷م و زوال اندیشه قوم عرب، افکار مختلفی در جهان عرب روید. در همین حین، جریان فکری لیبرال، کار خود را مخفیانه و آرام در عربستان آغاز کرد.<sup>۱</sup> به تدریج وقوع برخی حوادث، زمینه ساز نشر و گسترش جریان لیبرالیسم در سومین مرحله خود شد. در ادامه برخی از این موارد اشاره می‌شود:
- ۱- عربستان در سال ۱۹۹۰م، فضایی بحرانی را تجربه کرد. حمله صدام به کویت و استقرار نظامیان بعثی صدام در آستانه مرزهای عربستان از یک سو و کاهش درآمدهای نفتی، فاش شدن فساد مالی و اخلاقی شاهزادگان سعودی، سربرآوردن تنش میان نیروهای لیبرال و وهابیان از سویی دیگر، موجب شد فضایی بحرانی در عربستان به وجود آید.<sup>۲</sup> این مسأله به لیبرال‌ها جرأت بخشید تا خواسته‌های اصلاح طلبانه خود را در قالب نگارش نامه سرگشاده، انتشار کتاب و مقاله مطرح کنند.<sup>۳</sup>
  - ۲- مشارکت ۱۵ نفر سعودی تبار در حمله تروریستی به برج‌های دوقلو در یازده سپتامبر ۲۰۰۱م و کشته شدن بیش از سه هزار شهروند آمریکایی، پیامدهای تلخ و سنگینی را برای دولت و جامعه عربستان در پی داشت. این حادثه روابط آمریکا و عربستان را متزلزل کرد.<sup>۴</sup> هجمه دولتمردان و رسانه‌های غربی به دولت سعودی بدون در نظر

۱. جمعی از نویسندگان، اللبرالية فی السعودية، ص ۴۷۸.

۲. ر.ک: الصوبغ، عبدالعزيز حسين، الزلزال العربی! السعودية... و الخليج، صص ۶۹ و ۷۰.

۳. کامینز، دیوید، وهابیت و عربستان سعودی، ص ۲۷۴.

۴. الزبیدی، عمر ابراهیم، الفسيفساء السعودية الفكر الفلسفی و المذهبی و السیاسی فی المملكة العربية السعودية، ج ۳، ص ۱۱۱؛ عدنان، احمد، السعودية البدیلة ملامح الدولة الرابعة، ص ۲۴؛ مبروک، محمد ابراهیم، «ازمة اللبرالية فی العالم العربی الاسلامی» مجله: الامة فی مواجهة مشاريع التفتیت، ص ۱۱۲.

گرفتن تفاوتی میان القاعده و وهابیت، آغاز شد و عربستان را برای تغییر و اصلاحات تحت فشار قرار داد.<sup>۱</sup> بسیاری بر این باور شدند که عاملان حادثه تروریستی یازده سپتامبر از پیروان وهابیت بودند، این رفتار تروریستی زائیده آیین و باورهای اصلی وهابیت است و میان این حادثه و وهابیتی که عربستان سعودی از آن حمایت می‌کند پیوندی ذاتی برقرار است.<sup>۲</sup> در داخل نیز، چهره‌های مطبوعاتی و دینی خواستار برنامه‌های جدی حکومت برای ایجاد فضای معتدل و باز و رعایت ضوابط فرهنگی و دینی در برخورد با منتقدان شدند.<sup>۳</sup> لیبرال‌ها از فضای به وجود آمده، بهره بردند. آنها پیش از این واقعه، آراء و مناقشات خود را به صورت غیررسمی در روزنامه، اینترنت و محافل مطرح می‌کردند؛ اما پس از ۱۱ سپتامبر، فضای عربستان را برای پیگیری مطالبات خود آماده دیدند و به نوشتن بیانیه، عریضه و نامه سرگشاده اقدام کردند.<sup>۴</sup> آنان با دستاویز ساختن این مسأله، به تسویه حساب با مخالفان صحوی و بازخوانی باورها و فرهنگ جامعه عربستان سعودی پرداختند.

۳- پس از حادثه یازده سپتامبر گروهی از وهابیان تندرو به تجدیدنظر و بازخوانی افکار وهابیت دست زدند و از گذشته خود دست برداشته و بدان انتقاد کردند اینان به «متحولون» شهرت یافتند. اعترافات، تجارب و خاطرات متحولون از هم طیفی‌های پیشین خود، آشنایی آنان با زبان اسلام و توانایی سخن گفتن با ادبیات دینی و هم‌راستا بودن سخنان آنان با مطالبات و خواسته‌های لیبرال‌ها از سوی دیگر، آنان را به مثابه گنجی گرانبها در نظر لیبرال‌ها قرار داد. منصور النقیدان<sup>۵</sup>، مشاری الذایدی و عبدالله بن

۱. عدنان، احمد، *السعودية البديلة ملامح الدولة الرابعة*، ص ۲۵.

۲. الزبیدی، عمر ابراهیم، *الفسيفساء السعودية الفكر الفلسفی و المذهبی و السیاسی فی المملكة العربية السعودية*، ج ۳، ص ۱۱۵؛ مضای، الرشید، *مأزق الإصلاح فی السعودية فی القرن الحادی و العشرين*، ص ۱۲۵؛ الصویغ، عبدالعزیز حسین، *الزلزال العربی! السعودية... و الخليج*، صص ۲۲۶ و ۲۲۷.

۳. لاکروا، استیفان، *زمن الصحوة الحركات المعاصرة الاسلامیة فی السعودية*، ص ۳۳۱.

۴. زبیدی، عمر ابراهیم، *الفسيفساء السعودية الفكر الفلسفی و المذهبی و السیاسی فی المملكة العربية السعودية*، ج ۳، ص ۱۹۶.

۵. منصور النقیدان یک شهروند سعودی است که از چندین سال هم نشینی با رادیکالیسم وهابی و تکفیر مسلمانان عبور کرده و به نوعی بازنگری در صحوه و حتی وهابیت رسیده است. نقیدان معتقد است که رادیکالیسم محصولی محلی است و با اندیشه‌های بیگانه نسبتی ندارد. وی مدعی شد جهادیون خشونت‌گرا به محمد قطب، ابوالاعلی مودودی یا حسن البنا متوسل نمی‌شوند، بلکه به احمد بن حنبل، ابن تیمیه، و روحانیون نجدی، ابن سہمان و ابن عتیق متوسل می‌شوند. وی در نتیجه گفت ←

بجاء العتیبی و سلیمان الضحیان از این جمله‌اند.<sup>۱</sup> وقوع انفجارهای دوازدهم می ۲۰۰۳م در عربستان بر ضرورت بازخوانی افکار دینی و خروج جماعت‌های تکفیری از کشور افزود<sup>۲</sup> و موجب شد لیبرال‌ها، مناقشات و مطالبات خود را از مجالس خاص و گفتگو در پشت درهای بسته به سطح جامعه آورده و علنی و عمومی سازند.

۴- درگذشت یا حبس رقیبان یکی از عوامل پیشرفت لیبرال‌های سعودی بود. عالمان صحوه و روحانیون درباری و متنفذ یکی از جدی‌ترین مخالفان و رقیبان لیبرال‌های سعودی بودند.<sup>۳</sup> حبس و زندانی شدن سفر الحوالی، سلمان العوده، عائض القرنی و دیگر رهبران جریان صحوه در عربستان،<sup>۴</sup> و درگذشت چهره‌های شاخص وهابیت همچون بن‌باز و ابن‌عثیمین، فضای امن و آرامی را برای طرح افکار و خواسته‌ها لیبرال‌های سعودی فراهم ساخت.<sup>۵</sup> عبدالعزیز قاسم و عبدالله حامد از جمله لیبرال‌هایی بودند که از این فرصت بهره برده<sup>۶</sup> و خواسته‌های خود را مصرانه و رساتر از پیش بیان کردند و امیدوار بودند جایگاه اجتماعی و شرعی عالمان صحوه را به ارث ببرند.

۵- در خانواده پادشاهی افکار مختلفی وجود دارد. در میان پادشاهان و شاهزادگان سعودی، افرادی بودند که دل در گرو تفکر لیبرال داشتند؛ اما بر حسب مصالحی، آن را پنهان می‌کردند. شاهزادگان سعودی برخلاف پدران و نسل‌های پیشین خود، در رفاه تمام و در مدارس غربی رشد کردند و طبیعی است که از وضع موجود متأثر شوند و به تفکر

→ اندیشه رادیکال در واقع در عربستان سعودی ریشه دارد. (مضاوی، الرشید، عربستان سعودی و جریان‌های اسلامی جدید، صص ۱۴۶ و ۱۴۷).

۱. الزبیدی، عمر ابراهیم، الفسیفساء السعودیة الفكر الفلسفی و المذهبی و السیاسی فی المملكة العربیة السعودیة، ج ۲، ص ۲۸۴.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۹۳.

۳. شحبی، ابراهیم، السلطة و الهوية ملامح من تشکلات مجتمع السعودی، ص ۲۳۵.

۴. لاکروا، استیفان، زمن الصحوة الحركات المعاصرة الاسلامیة فی السعودیة، ص ۳۲۹.

۵. الزبیدی، عمر ابراهیم، الفسیفساء السعودیة الفكر الفلسفی و المذهبی و السیاسی فی المملكة العربیة السعودیة، ج ۳، ص ۱۱۸؛ لاکروا، استیفان، زمن الصحوة الحركات المعاصرة الاسلامیة فی السعودیة، ص ۳۲۱؛ المشوح، خالد، التيارات الدینیة فی السعودیة، ص ۱۲۷؛ جمعی از نویسندگان، قضایا الإسلامیین فی الخلیج التنویر-الدیمقراطیة-الإعلام، «التنویر الاسلامی فی السعودیة سجال السقوف المنخفضة»، ص ۱۶.

۶. لاکروا، استیفان، زمن الصحوة الحركات المعاصرة الاسلامیة فی السعودیة، ص ۳۲۹.

لیبرال‌گرایی یابند.<sup>۱</sup> از سوی دیگر تفکر سلفی در ماجرای اخوان التوحید و در تجربه جدیدش حاکمیت طالبان بر افغانستان، تندخویی، بیگانه‌ستیزی و ناتوانی خود در دیپلماسی و گفتگو را نشان داده بود؛ بنابراین پادشاه سعودی در گفتگوهای بین‌المللی نمی‌توانست چندان بر وهابیت تکیه کند، بلکه به دنبال رقیبی برای این جریان بود. بخشی از خواسته‌های لیبرال‌ها - نه همه آنها-، در مسیر منافع شاهان و شاهزادگان سعودی بود؛ زیرا مقبولیت بیشتر حاکمیت آل سعود را در پی داشت؛ اما وجود روحانیون متعصب وهابی مانعی بر سر راه اجرایی شدن آنها بود. برای همین فعالیت جریان لیبرالی در عربستان می‌توانست پوششی برای دستیابی به خواسته‌های واقعی آل سعود باشد. بین سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ م پادشاه سعودی به دیدگاه‌های لیبرال‌گرایی نشان داد و برخی از خواسته‌های آنان را عملیاتی کرد. تأسیس شورای مشورتی و صدور قانون اساسی، از جمله اقدامات ملک فهد در مسیر خواسته‌های لیبرال‌های سعودی بود.

۶- اکتشاف نفت و توسعه صنعت و اقتصاد نفتی تغییرات بزرگی را در پی داشت. ورود مهاجران به عربستان تا جایی پیش رفت که جمعیت مهاجران بر ساکنان اصلی فزونی یافت.<sup>۲</sup> تأسیس شرکت‌ها و مؤسسات مختلفی چون شرکت آرامکو، ورود متخصصان و کارشناسان فنی غیرسعودی را به این کشور در پی داشت. بسیاری از این کارمندان از افکار چپ متأثر بودند؛<sup>۳</sup> در نتیجه جماعت‌ها، گروه‌های مختلفی که متأثر از اندیشه ناصری، مارکس و ناسیونالیسم عربی بودند، در عربستان سر برآوردند.<sup>۴</sup> این دسته از افکار، تنها در میان نخبگان تبادل می‌شد و هنوز تبدیل به جریانی مردمی نشده بود؛ اما از آنجا که برخی از نخبگان به اقداماتی خارج از چارچوب‌های قانونی عربستان دست می‌زدند یا

۱. هناك اختلافات في صفوف الأسرة الحاكمة لا تظهر غالباً في العلن، حيث نشأت أجيال جديدة في حياة أكثر رفاهية من حياة البداوة التقليدية التي عاش في ظلها الأكبر سناً، وهذه الأجيال نشأت في ظل تأثيرات الانفتاح الإعلامي والقيم الوافدة، وبعضهم تربى في مدارس غربية، ووجد بعض الأمراء الأصغر سناً ممن يدعون إلى الأفكار نفسها التي يتبناها التيار الليبرالي. جمعی از نویسندگان، الليبرالية في السعودية، ص ۱۷۵.

۲. الزیدی، مفید، التيارات الفكرية في الخليج العربي ۱۹۳۸-۱۹۷۱ م، ص ۴۱.

۳. جمعی از نویسندگان، الليبرالية في السعودية، ص ۱۲۸.

۴. همان، ص ۱۲۸.

آن که اقداماتی در ستیز با دولت سعودی و ملک فیصل داشتند، خیلی زود این جریان به عنوان مشکلی برای دولت سعودی شناخته شد. دولت سعودی با فعالیت‌های هدایت شده از خارج برخورد کرد، برای خنثی‌سازی تلاش‌های لیبرال‌های داخلی، آنان را در دولت به کار گرفت. بسیاری از آنان افکار خود را فراموش کردند و از چهره‌های بارز و شاخص در پیشرفت پادشاهی شدند؛ بدین ترتیب بخشی از لیبرال‌ها تا پایان نیمه‌های دهه ۷۰ از فضای سیاست دور بوده و فعالیتی نداشتند؛ اما طیفی دیگر از لیبرال‌ها با شعار نوسازی ادبیات در محتوا و شکل در میدان ادبیات قدم گذاشتند. این دسته از لیبرال‌ها در قالب مطالب ادبی به برخی از بافت‌ها، باورها و آموزه‌های دینی، فرهنگی و عادات اجتماعی مردم انتقاد کرده و سعی کردند مردم را از این باورها آزاد کنند. خیلی زود دیگر رمان نویسان، شاعران و منتقدان ادبی به این حرکت و گفتمان پیوستند و جریان فرهنگی نوینی به نام «الحدائة» را پدید آوردند.<sup>۱</sup> درآمدهای کلان حاصل از تولید نفت، تغییرات شتابانی را در عادات‌های جامعه سعودی در پی داشت، کشور را در جاده‌ای با سرراشیدی‌های تند، ناهموار و بی‌پایان قرار داده بود و دیگر عالمان وهابی نمی‌توانستند به این سادگی تضاد میان آرمان‌های دینی و منافع دنیوی را مدیریت کرده و بر جدال سنت با مدرنیته صنعتی غلبه کنند.<sup>۲</sup> فضای حاصل از این شرایط، به طرح آراء و افکار لیبرال‌ها کمک می‌کرد و آنان از این فضا، بهره‌های فراوانی بردند.

۷- برخوردهای تند و سخت‌گیرانه مؤسسات دینی با استفاده از ابزار هیأت امر به معروف و نهی از منکر و نهادهای قضایی وابسته به فکر وهابیت موجب شده است تا شهروندان سعودی هنگام خروج از عربستان و با مقایسه فضای جامعه دوم و وطن خویش با سؤالات مختلف و مطالب متناقضی مواجه شوند.<sup>۳</sup> مخالفت با حقوق طبیعی شهروندان عربستانی با احکام دینی مانند منع و حرمت رانندگی زنان، کار کردن زنان، نقض حقوق

۱. همان، ص ۱۲۹.

۲. کامینز، دیوید، وهابیت و عربستان سعودی، صص ۲۶۲ و ۲۶۳.

۳. الخنیزی، جهاد بن عبدالاله، جدال الدین و الثقافة و الاجتماع، ص ۲۹۸.

شهروندی، عدالت اجتماعی و آزادی اندیشه همگی از جمله نتایج به دست آمده از مقایسه بود و بستر را برای میل و گرایش شهروندان به تفکر لیبرالی فراهم می‌ساخت.

۸- اواخر سال ۱۹۹۰م، درهای اینترنت به روی ساکنان عربستان گشوده شد. سعودی‌ها که سخن‌ها و سوال‌های ناگفته زیادی داشتند، خیلی زود به تالارها و انجمن‌های گفتگوهای اینترنتی پیوستند<sup>۱</sup> و تالارهای اینترنتی به پارلمان مجازی سعودی تبدیل شدند؛<sup>۲</sup> منتدى الوسطیة، منتدى طوی، منتدى دارالندوة، منتدى المحاور، منتدى الطومار، سایت ایلاف، منتدى الشبكة الليبرالية السعودية الحرة و منتديات الشبكة الليبرالية از جمله پایگاه‌های اینترنتی متعلق به لیبرال‌های سعودی بودند که یکی پس از دیگری فعال شدند.<sup>۳</sup> شبکه‌های ماهواره‌ای العربية، الحرة، روتانا الخليجية و قناة ابوظبی نیز از جمله شبکه‌های حامی و مروج لیبرال در جامعه سعودی بوده و هستند. بسیاری از لیبرال‌های سعودی پس از طی مراحل سخت در عربستان سعودی، به امارات رفته و آنجا را به عنوان پناهگاه خود برگزیدند. مرکز «المسبار» در دبی امارات، متعلق به لیبرال‌های گریزان از سعودی است که ترکی الدخیل در صدر این مرکز قرار دارد؛ همچنین روزنامه «الوطن» متعلق به لیبرال‌های سعودی، در سال ۲۰۰۰م در منطقه عسیر شهر أبها کار خود را آغاز کرد. قینان الغامدی، جمال احمد الخاشقی و سلیمان العقیلی به ترتیب مدیران تحریریه این روزنامه بودند. بسیاری از نویسندگان مقالات این روزنامه مانند حمزه المزینی، نادرین البدر و علی سعد الموسی از فارغ التحصیلان دانشگاه‌های فرانسه، انگلیس و آمریکا بودند. انتشارات دارطوی نیز از جمله پایگاه‌های متعلق به لیبرال‌های سعودی است.

۱. برخی از اقبال بیش از حد سعودی‌ها به تالار گفتگو با تعبیر ظاهره المنتديات به معنای پدیده تالارهای گفتگو یاد کرده‌اند. لاکروا، ستیفان، زمن الصحوة الحركات المعاصرة الاسلامية في السعودية، ص ۳۲۳.

۲. لاکروا، ستیفان، زمن الصحوة الحركات المعاصرة الاسلامية في السعودية، ص ۳۲۲.

۳. همان، ص ۳۳۰.

## انواع لیبرال‌های سعودی

پدیده لیبرال در جامعه عربستان مانند بسیاری از جریان‌های فکری دیگر دستخوش تغییر و تطور بوده و مراحل مختلفی را طی کرده است. این جریان در عربستان اصیل و ریشه‌دار نیست و حتی شاخص‌ترین چهره‌های لیبرال از فکر ثابت و محکمی برخوردار نیستند و در موقعیت‌ها و شرایط زمانی مختلف تغییر یافته و رنگ می‌بازند. شاید به همین علت است که عبدالله غدامی معتقد است که لیبرالیسم در عربستان، اسمی بی‌مسماست؛<sup>۱</sup> همانطور که سلفیان، وهابیان، اهل سنت و شیعه دارای طیف‌های فکری مختلفی در درون خود هستند، جریان لیبرال عربستان نیز دارای طیف‌های مختلفی است. حضور فکرهای مختلف در میان این جریان، زمینه‌های التقاط، تأثیر و تأثر اعضا از جریان‌های مختلف را فراهم ساخته است. بروز برخی چالش‌ها، کیفیت واکنش به شرایط زمان و مکان، اختلاط فکری افراد از دیگر گروه‌ها به جریان لیبرال، موجب شد طیف‌های مختلفی در میان لیبرال‌های سعودی برویند. تحلیل‌گران، لیبرال‌های سعودی را به گروه‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند که بدان اشاره می‌شود:

مفید الزیدی معتقد است که:

در درون جریان لیبرال کشورهای عربی دو رویکرد متفاوت سربرآورده است. نخست رویکرد اسلامی اصلاحی که معتقدند باید میان دستاوردهای نو، علم و دین، حاکم و رعیت جمع کرد و با اعتماد به قواعد دینی در مقابل سکولاریسم ایستاد. جمال الدین اسدآبادی، رشید رضا، محمد عبده، عبدالرحمن کواکبی از پیروان این رویکرد به شمار می‌آیند. رویکرد دوم لیبرال‌های سکولار که معتقدند سکولاریسم جایگزین نظام خلافت و علم و عقلانیت جایگزین دین است. رفاعة طهطاوی، یاسر یازجی و احمد فارس از جمله پیروان این رویکردند.<sup>۲</sup>

جهاد الخنیزی، لیبرال‌های سعودی را سه دسته دموکراسی خواهان، محافظه‌کاران، اسلام‌گرایان دانسته است.<sup>۳</sup> وی همچنین معتقد است که فکر و جریان سلفی در عربستان

۱. جمعی از نویسندگان، اللیبرالية فی السعودية، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

۲. الزیدی، مفید، التيارات السياسية والفكرية فی الخليج العربي، صص ۶۷ و ۶۸.

۳. الخنیزی، جهاد بن عبدالله، الإصلاح و الممانعة فی المجتمع السعودي، صص ۲۱ و ۲۲.

المرة-محو-الإصلاح-بالسعودية/٢٩/٣/٢٠١٠/ <http://www.aljazeera.net/news/reportsandinterviews/>

- ۴- لیبرال‌های مطبوعاتی و نویسندگان که جماعت زیادی را تشکیل می‌دهند، با استفاده از خبرگزاری‌هایی مانند روزنامه، ماهواره و اینترنت، در صدد ترویج افکار خویش‌اند. به گفته منصور النقیدان این طیف بیشتر می‌نویسند و در مقام عمل به آنچه نوشته‌اند، پایبند نیستند. در نوشته‌هایشان از تک همسری می‌گویند، حال آن که در حقیقت چند همسر دارند.
- ۵- بازگشتگان از افکار مارکسیسم، بعث، ناصریسم و دیگر افکار؛ محمدسعید طیب پیرو فکر ناصریسم بود. ترکی الحمد یکی از مبلغان ملی‌گرایی بعثی بود؛ ولی این دو اکنون از داعیه‌داران جریان لیبرال عربستان‌اند.
- ۶- نفعیون و صولیون یکی از طیف‌های لیبرال در عربستان است. این عنوان از سوی موسسه امریکایی «راند» انتخاب شده است و مقصود از آن طیفی است که ظرفیت کمک‌رسانی و رساندن دارند؛ اما به هدف خود (دمکراسی) نمی‌رسند.
- ۷- لیبرال‌های عاری از اخلاق؛ مانند عبدالله بخیت کسانی‌اند که اباحی‌گری و شهوت‌رانی در افکار آنان نمایان است. امیره القحطانی و نادین البدیر در مقالات خود نسبت به وجود این طیف اقرار کرده‌اند.
- ۸- مرتبطان به غرب؛ کسانی که میل به غرب دارند و در مواردی با سفارت‌خانه‌های کشورهای غربی در ارتباط بوده‌اند.<sup>۱</sup>
- خالد المشوح معتقد است که:

پس از آن که رهبران جنبش صحوه توسط حکومت بازداشت و به حبس محکوم شدند، همچنین چهره‌های شاخص وهابیت همچون بن‌باز و ابن‌عثیمین درگذشتند. نسل جدیدی از عالمان سعودی سر برآوردند که به دنبال بررسی عوامل خشونت‌های مذهبی بودند. این گروه را می‌توان در دو دسته قرار داد؛ دسته اول آنان که دل در گرو اسلام داشتند و به دنبال بررسی و نقد جنبش اسلامی به طور عام و سلفی‌گری به طور خاص بودند. سلیمان الضحیان، عبدالعزیز قاسم، عبدالعزیز الخضر، نواف القدیمی، طارق المبارک و منصور الهجلا از این دسته‌اند. دسته دوم کسانی بودند که برآمده از نقد فکر دینی بودند و از فکر اسلامی به فکر

۱. جمعی از نویسندگان، اللیبرالية في السعودية، ص ۲۰۳.

لیبرالی تغییر جهت داده بودند. عادل الطریفی، منصور النقیدان، مشاری الذایدی، عبدالله بجاد و دیگران از این دسته‌اند.<sup>۱</sup>

استفان لاکروا نیز در کتاب خود، مطلبی شبیه به همین تقسیم را گفته و معتقد است لیبرال‌های سعودی دو گونه بودند: اسلام‌گرایان لیبرال و لیبرال‌های مطلق.<sup>۲</sup> عمر ابراهیم الزبیدی معتقد است که:

لیبرال‌های سعودی دو گروهند: گروهی که در گذشته از تندروهای وهابی بودند و اکنون متحول شدند و به نقد آداب و رسوم اجتماعی و دینی (در مواردی منتقد به وهابیت) می‌پردازند و به دنبال اصلاح در دو بعد اجتماعی و سیاسی هستند، اینان به مرور زمان توانستند در روزنامه‌های محلی و گاه خارجی مقالات خویش را منتشر کنند.<sup>۳</sup> گروه دیگر، تنها به دنبال اصلاحات سیاسی‌اند؛ عبدالله حامد، عبدالعزيز قاسم و علی الدمینی از این جمله‌اند. مطالبات این گروه با خواسته‌های چهره‌های دیگر مانند محمد سعید الطیب و متروک الفالح، مشترک است؛ همچنین شیعیانی مانند محمد محفوظ، جعفر الشایب و زکی میلاد به دلیل اشتراک در مطالبات به این جریان پیوستند.<sup>۴</sup> عمر الزبیدی معتقد است که شیعه، بخشی از پروژه اصلاحی لیبرال‌های اسلامی است؛ از جمله شیعیان موجود در طیف لیبرال‌های اسلامی که فعالیت خود را در قطیف آغاز کردند.<sup>۵</sup>

## موانع و مخالفان جریان لیبرال سعودی

به نظر می‌رسد که لیبرال‌ها به دنبال اصلاح‌اند؛ اما موانعی بر سر راه آنها وجود دارد. وهابیت جامی، عالمان صحوی و پادشاهی سه مانع گسترش و نفوذ لیبرال‌های سعودی

۱. المشوح، خالد، التيارات الدينية في السعودية، ص ۱۲۷.

۲. لاکروا، استفان، زمن الصحوة الحركات الاسلامية المعاصرة في السعودية، ص ۳۲۹.

۳. منصور النقیدان به عنوان یک لیبرال اجتماعی سیاسی توانست مقاله‌اش را در نیویورک تایمز منتشر کند: زبیدی، عمر ابراهیم، الفسیفساء السعودية الفكر الفلسفی و المذهبی و السياسی فی المملكة العربية السعودية، ج ۳، ص ۲۰۶.

۴. جریان لیبرال و گفتمان عدالت اجتماعی برخاسته از آن برای شیعیانی که شهروندان درجه دو یا سه عربستان بودند جاذبه داشت و موجب گرویدن برخی از شیعیان به این جریان شد. محمد محفوظ، جعفر الشایب و زکی میلاد از جمله شیعیان موجود در طیف لیبرال‌های اسلامی‌اند که فعالیت خود در قطیف آغاز کردند. (زبیدی، عمر ابراهیم، الفسیفساء السعودية الفكر الفلسفی و المذهبی و السياسی فی المملكة العربية السعودية، ج ۳، ص ۲۰۰).

۵. همان، ج ۳، صص ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱.

است؛<sup>۱</sup> در حالی که تفسیر عالمان جامی از متون دین، مضیق، بازدارنده و قشری است. لیبرال‌ها، تفسیر موسّع از نصوص مقدس را مجاز می‌دانند؛ به عنوان مثال آنها معتقدند که اسلام و دموکراسی مانعة‌الجمع نیست و اسلام به طور کامل با دموکراسی سازگار است. لیبرال‌ها بر این باورند که خداوند در همه مسائل دنیوی و منافع اجتماعی، آزادی و استقلال کامل را به ما عطا کرده است.<sup>۲</sup> بر این اساس، انتقاد از علماء وهابیت، ضرورت اصلاح و بازنگری در هیأت امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح نظام آموزشی و احقاق حقوق زنان<sup>۳</sup> از جمله مطالبات لیبرال‌های سعودی بوده و هست که شکاف و تیزتر شدن لبه اختلاف میان لیبرال‌های سعودی و مفتیان وهابی را عمیق‌تر کرده است؛<sup>۴</sup> به عنوان مثال در حالی که لیبرال‌ها، بخشی از هم خود را صرف حقوق زنان می‌کنند، ۳۵ نفر از علماء وهابیت از جمله عبدالرحمن البراک و عبدالعزيز الراجحی و... در نامه‌ای از وزیر فرهنگ عربستان خواستند تا از استفاده زنان در اجرای برنامه‌های تلویزیونی پرهیز شود.<sup>۵</sup> وهابیت جامی و سنتی بر این باور است که اعتراض بر حاکم مسلمان جایز نیست و هر گونه شکایت و اعتراض به حاکم باید به صورت آرام و غیرآشکار به حاکم منتقل شود؛ اما لیبرال‌های سعودی در مواردی چون نگارش نامه سرگشاده و رفتارهای نمادین اعتراضی دست زدند و برخلاف باورهای سنتی جامعه عربستان رفتار کردند. از طرفی دیگر، لیبرال‌ها با جامیان، در تنقّر از عالمان صحوی مشترک‌اند. آنان به خوبی از ظرفیت انقلابی سیاسی تهدیدکننده عالمان صحوه آگاه‌اند. موسی عبدالعزیز واعظ سعودی در

۱. برخی گفته‌اند لیبرال‌های عربستان فاقد آن کیمیای حقیقی برای ایجاد ارتباط بین خودشان و ملت هستند در عوض عالمان وهابی ارتباطی نزدیک‌تر با مردم دارند: --، مشکل لیبرال‌های عربستان، روزنامه شرق، شماره ۲۵۷۱ - شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۵.

۲. تیموتی، دی، اسلام و دموکراسی، ص ۳۶.

۳. احقاق حقوق زنان یکی از شعارهای شاخص لیبرال‌های سعودی بوده است. ترکی الحمد، ترکی السیدری، عبدالله ابوالسمح، محمد بن عبداللطیف آل شیخ، عبدالرحمن الراشد، عثمان العمیر، حصة آل الشیخ، بدریة البشر از جمله فعالان لیبرال سعودی تباری‌اند که برای احقاق حقوق زنان در تلاشند.

۴. أن هناك جزءاً وخوفاً من الليبرالية. وأن هذه الليبرالية - كما يقول بعض الأصوليين والسلفيين - شرٌ مستطير، وكرثة عظيمة. يريد الغرب والمستغربون أن يفرضوها على بعض بقاع العالم العربي، لهدم القيم الأخلاقية القائمة، واستبدالها بقيم الغرب الاجتماعية، والأخلاقية.

ما- الليبرالية-العربية--الإسلامية؟ <http://www.aljarida.com/news/index/2012624295/>

۵. الخنيزی، جهاد بن عبدالله، الإصلاح و الممانعة فی المجتمع السعودی، ص ۱۷.

سخنان خود این امر را این گونه بیان کرد: «لیبرال‌ها نسبت به صحوی‌های قطبی به اسلام نزدیک‌ترند، آنها فطرت بهتری نسبت به اسلام دارند».<sup>۱</sup>

به طور کلی لیبرال‌های سعودی رابطه پر افت و خیزی را با صحوی‌های عربستان داشته و دارند و این ناشی از اختلافاتی بود که لیبرال‌ها بر سر اولویت‌بندی برنامه‌های اصلاحی‌شان داشتند؛ گروهی اصلاح تدروی و تطرف دینی موجود در فرهنگ و جامعه را اولین اولویت و بایسته مورد اصلاح دانستند که به لیبرال‌های اجتماعی شهرت یافتند. دیگر گروه بر این باور بودند که اولویت اول، اصلاح استبداد سیاسی است که به لیبرال‌های سیاسی شهرت یافتند. این دسته با اسلام‌گرایان صحوی همراه شدند؛ چرا که اصلاح وضع استبداد موجود خواست مشترک هر دو طیف بود. صدور و ظهور مطالبات اصلاحی و بیانیه‌های سیاسی مشترک از ناحیه صحویون و لیبرال‌های سیاسی از ثمرات اشتراک نظر و همراهی این دو طیف بود. پس از وقوع حادثه یازده سپتامبر، ۶۰ تن از دانشمندان و نویسندگان امریکایی در نامه ای خطاب به بوش که با نام «علی‌ای اساس نقاتل؟» شهرت یافت، از بوش خواستند در جنگ با تروریست اخلاق را در نظر داشته باشد. همچنین ۱۵۰ تن از اندیشمندان سعودی اعم از صحوی و لیبرالی در نامه‌ای که به «علی‌ای اساس نتعایش؟» شهرت یافت به نامه دانشمندان امریکایی پاسخ دادند. نام و امضاء عبدالعزیز قاسم، چهره بارز لیبرال، در کنار سلمان العوده و سفر الحوالی، دو شیخ و رهبر صحوی، در لیست امضاءکنندگان دیده می‌شد.<sup>۲</sup> نامه‌ای با عنوان «رؤیة لحاضر الوطن و مستقبله عام ۲۰۰۳» که در آن، چهره‌هایی از لیبرال‌های سعودی همانند ترکی الحمد، علی الدمینی، متروک الفالح، نجیب الخنیزی، خالد الدخیل و محمد سعید طیب با عالمان صحوه مشارکت داشتند، صادر شد.<sup>۳</sup> همراهی و اقدام مشترک لیبرال‌های سیاسی با صحویون، از طرفی خشم و اعتراض لیبرال‌های اجتماعی از لیبرال‌های

۱. مضاوی، رشید، عربستان سعودی و جریان‌های اسلامی جدید، ص ۱۲۷.

۲. لاکروا، ستیفان، زمن الصحوة الحركات المعاصرة الاسلامیة فی السعودیة، ص ۳۲۷؛ زبیدی، عمر ابراهیم، الفسیفساء السعودیة الفکر الفلسفی و المذهبی و السیاسی فی المملكة العربیة السعودیة، ج ۳، ص ۱۲۰.

۳. <http://arb.majalla.com/۱۲/۲۰۱۲/article۵۵۲۴۰۹۴۱/الع-بعد-الربیع> - الليبراليون - السعوديون - بعد الربيع - الع

سیاسی را در پی داشت آنها می گفتند که لیبرال های سیاسی، بازیچه اسلام گرایان صحوی شده اند. از طرف دیگر، از حجم مخالفت ها و انتقادهای اسلام گرایان صحوی از لیبرال ها کاست، البته همراهی لیبرال ها و صحوی ها هیچگاه پایدار نبوده است. جریان صحوه که مردمی ترین و فعال ترین جنبش در آن زمان بود، در مواردی به مقابله با جریان لیبرال برخاست و بر شدت انزوای این جریان افزود.<sup>۱</sup> صحوی ها پس از آن که از تلاش های حدائی های لیبرال برای قرار گرفتن در مصادر فرهنگی و اطلاع رسانی اطلاع یافتند، حمله گسترده ای را به بزرگان حدائه آغاز کردند. بدون تردید مخالفت و تعارض صحوی ها، خسارت فراوانی را برای لیبرال های تازه سر برآورده به بار آورد. آنان با شعارهای لیبرال ها مبنی بر توسعه آزادی های فردی مخالف بودند. در خلال جنگ کویت، نزاع و اختلاف میان وهابیان درباری و لیبرال ها بالا گرفت. جماعتی از علماء وهابی از همراهی حاکمان سعودی با لیبرال ها برآشفتنند و در اجتماعات مذهبی و خطبه های نماز جمعه، نظام حاکم بر عربستان را به دلیل حمایت از لیبرال ها نظامی، غرب زده، فاسد و غیراسلامی خوانند و گاه دست به قلم شدند. از جمله ردیه هایی که بر شاخص ترین چهره های لیبرال همچون ترکی الحمد، غازی القصیبی و عبدالله الغدابی صورت گرفت، ردیه عوض القرنی در کتاب «الحدائة فی میزان الاسلام»، نوارهای کاست سعید الغامدی و سلسله سخنرانی های شیخ خراشی با عنوان «رجال و کتب فی المیزان» است. در سال ۱۴۲۳ هجری، جماعتی از عالمان صحوی و وهابی همچون ناصر العمر و عبدالرحمن محمود در مقابل دیوان ملکی تجمع و نسبت به فعالیت های جریان های لیبرال و غرب زده برای غربی کردن زنان اعتراض کردند، گرچه این اقدام به ظاهر خوشایند وهابیان جامی است؛ ولی برخی از جامیان به مخالفت با آن برخاستند؛ چرا که جامیان اعتراض آشکار به حاکم را خلافی بزرگ و مفسده زای می دانند.

۱. هجمه صحوی ها به لیبرال ها در حالی رخ می داد که اصطلاح لیبرال در میان سعودیان غربیه بود، شهروندان محافظه کار سعودی از تفکر لیبرال بیگانه بودند و میلی به آشنایی با آن نداشتند.

عربستان زمانی که صدام را در آستانه مرزهای خود دید از دولت‌های غربی درخواست کمک کرد. صحوپون با این اقدام پادشاه مخالفت کردند. سفر الحوالی<sup>۱</sup> آمریکا و نه عراق را بزرگ‌ترین تهدید پیش روی عربستان خواند. در مقابل لیبرال‌های سعودی در تأیید اقدام پادشاه بیانی‌ای صادر کردند. این اقدام لیبرال‌ها، شکاف میان صحوه و صحوپون را بیشتر کرد. یکی از شاخصه‌های فکری شیوخ صحوه، غرب ستیزی بود. آنان نفوذ غرب را نمی‌پذیرفتند و از چیرگی غرب بر ممالک اسلامی ناخشنود بودند. از نگاه آنان بحران خلیج فارس بخشی از توطئه آمریکا بر مسلمانان است؛ در حالی که لیبرال‌های سعودی به دنبال بهره بردن از ظرفیت‌های خارجی به ویژه غرب و آمریکا برای دستیابی به خواسته‌ها و اجرایی شدن اصلاحات مورد نظر خود در جامعه عربستان بودند؛ بنابراین از نظر آنها، تعامل با آمریکا بدون اشکال بود. حمایت آل سعود از حسنی مبارک، بن علی، قذافی و دیگر حاکمان مستبد و مغضوب مردم، نمایانگر میل دولت سعودی به جامعه بسته با حداقل آزادی‌های سیاسی بود. این در حالی است که لیبرال‌های سعودی به دنبال توسعه آزادی و احقاق حقوق از دست رفته شهروندان اند و این رفتار پادشاه سعودی نشانگر اختلافات جدی سیاست حاکمیت با لیبرال‌هاست.

### دستاوردهای لیبرال‌های سعودی

تلاش‌های لیبرال‌های سعودی بی‌نتیجه نماند؛ چرا که پادشاه، از ظرفیت آنها بهره می‌برد و خواسته‌های قلبی خویش را در قالب پاسخ به مطالبات آنها به اجرا درمی‌آورد. سعود الفیصل این مطلب را با این بیان تأیید کرده است که: «المجتمع السعودي يتجه نحو الليبرالية، والمملكة بدأت تتحرر من أغلال الماضي»<sup>۲</sup> و تفسیر فی اتجاه مجتمع لیبرالی؛ جامعه سعودی به سوی لیبرالیسم رو کرده، عربستان از بند زنجیرهای گذشته رها شده و در

۱. سفر الحوالی معتقد است حاکمان عربستان در مواجهه با شیعیان، صوفیان، نوگرایان و لیبرال‌های عربستان کوتاهی و تسامح داشته‌اند: مالکی، حسن فرحان، جذور داعش، صص ۲۰۶ و ۲۰۷.  
2. المرأة-محور-الإصلاح-بالسعودية/۲۹/۳/۲۰۱۰/ www.aljazeera.net/news/reportsandinterviews

مسیر جامعه لیبرالی در حال حرکت است». پس از گذشت مدتی پادشاه عبدالله، اولین دانشگاه مختلط را افتتاح کرد. برای اولین بار یک زن را به عنوان معاون وزیر منصوب کرد.<sup>۱</sup> می‌توان گفت لیبرال‌های سعودی یکی از اهرم‌های فشار بر وهابیت درباری و پادشاهی سعودی هستند و شکستن تابوی وهابیت یکی از دستاوردهای آنها بوده است. پادشاهی آل سعود بر عربستان، سال‌ها بدون وجود قانون اساسی تداوم داشت.<sup>۲</sup> تا آن که پس از ارسال نامه‌های سرگشاده مختلف توسط نخبگان لیبرال و دیگران، پادشاه فهد در فوریه ۱۹۹۲م قانون اساسی مملکت سعودی را در ۸۳ ماده نوشت و دستور تشکیل مجلس شورا و برپایی اداره محلی را صادر کرد. بدین ترتیب پادشاهی آل سعود، به سمت دستوری و قانون‌مندی تغییر مسیر داد. خروج و مخالفت عالمان صحوه با عالمان درباری، معروف به جامیه اولین اقدام معارض با وهابیت درباری و تقلیدی بود که از ابهت و شوکت وهابیت تقلیدی کاست و دین را از احتکار وهابیت درباری خارج ساخت.<sup>۳</sup> پیدایش سلفیه جهادی و نشر رسائل و نوارهای کاست و بیانیه‌های مختلف در ردّ و اعتراض به وهابیت درباری، دومین تعارض جدی با وهابیت درباری در عربستان بود. بروز جریان لیبرال در عربستان و رویش گفتمان نوین آنان، تعارضی نو با وهابیت درباری است که همگی به تنزل و کاهش جایگاه معنوی و سیاسی وهابیت جامی و تقلیدی منجر شده است.

### نتیجه

صدور حکم درباره موضوعات، فرعی بر تصور صحیح و جامع موضوع است؛ تا زمانی که موضوع به درستی درک نشود حکم صادره صحیح نخواهد بود. آنچه در این مقاله بیان شد، تنها معرفی مقدماتی جریان لیبرال‌های سعودی و اشاره‌ای گذرا به مسائل مرتبط با آن بود به امید آن که آغازی بر پژوهش‌های دقیق و عمیق پژوهشگران این عرصه باشد.

۱. جمعی از نویسندگان، اللیبرالية فی السعودية، ص ۱۵۶.

۲. فیلدمان، نوح، سقوط الدولة الإسلامية و نهوضها، ص ۱۲۸.

۳. شحبی، ابراهیم، السلطة و الهوية ملامح من تشکلات مجتمع السعودي، ص ۲۳۶.

## منابع

۱. الدخيل، تركي، **سلمان العودة؛ من السجن الى التنوير**، دبي: دار مدارك للنشر، چاپ چهاردهم، ۲۱۰۳.
۲. تیموتی، دی، **اسلام و دموکراسی**، ترجمه شعبانعلی بهرامپور و حسن محدثی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
۳. جمعی از نویسندگان، **اللیبرالية في السعودية؛ الفكرة - الممارسات - الروى المستقبلية**، وحدة الدراسات في مركز صناعة الفكر، مؤسسة الانتشار العربي، چاپ اول، ۲۰۱۳، [بی‌جا].
۴. جمعی از نویسندگان، **قضايا الإسلاميين في الخليج التنوير - الديمقراطية - الإعلام**، دبي: مركز المسبار للدراسات و البحوث، چاپ دوم، ۲۰۱۱.
۵. الخنيزي، جهاد بن عبدالله، **الإصلاح و الممانعة في المجتمع السعودي**، بيروت: بيسان، ۲۰۱۲.
۶. دکمچیان، هراير، **جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب**، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، چاپ پنجم، ۱۳۸۸.
۷. زبیدی، عمر ابراهيم، **الفسيفساء السعودية**، بيروت: الدار العربية للموسوعات، ۲۰۱۱.
۸. زبیدی، مفید، **التيارات الفكرية في الخليج العربي ۱۹۳۸-۱۹۷۱م**، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية، ۲۰۰۰.
۹. شحی، ابراهيم، **السلطة و الهوية ملامح من تشكلات مجتمع السعودي**، لندن: طوی للنشر و التوزيع، ۲۰۱۱.
۱۰. صویغ، عبدالعزيز حسین، **الزلازل العربی! السعودیة... و الخلیج**، دبي: دارمدارک للنشر، ۲۰۱۱.
۱۱. عدنان، احمد، **السعودية البديلة ملامح الدولة الرابعة**، بيروت: التنوير للطباعة و النشر، ۲۰۱۲.
۱۲. عطوان، عبدالباری، **سازمان سرى القاعده**، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۱.
۱۳. مالکی، حسن فرحان، **جذور داعش**، بيروت: دارالمحجة البيضاء، ۲۰۱۳.
۱۴. فیلدمان، نوح، **سقوط الدولة الإسلامية و نهوضها**، ترجمه طاهر بوساحی، بيروت: الشبكة العربية للابحاث و النشر، ۲۰۱۴.
۱۵. قصیبی، عبدالله محمد، **اللیبرالية الجديدة أسئلة في الحرية و التفاوضية الثقافية**، بيروت: مركز الثقافی العربی، ۲۰۱۳.
۱۶. کامینز، دیوید، **وها بیت و عربستان سعودی**، ترجمه مجتبی فاضلی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۳.
۱۷. لاکروا، استیفان، **زمن الصحوة الحركات الإسلامية المعاصرة في السعودية**، بيروت: الشبكة العربية للابحاث و النشر، ۲۰۱۲.
۱۸. مبروک، محمد ابراهيم، «**ازمة الليبرالية في العالم العربي الاسلامی**»، مجله الامة في مواجهة مشاريع التفتيت، مجله البيان، چاپ هفتم، ۱۴۳۱، [بی‌جا].
۱۹. مشوح، خالد عبدالله، **التيارات الدينية في السعودية**، رياض: انتشارات العربی، چاپ دوم، ۲۰۱۲.
۲۰. مضای، رشید، **عربستان سعودی و جریان‌های اسلامی جدید**، ترجمه رضا نجف‌زاده، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات، ۱۳۹۳.
۲۱. مضای، رشید، **مأزق الإصلاح في السعودية في القرن الحادي والعشرين**، بيروت: دارالساقی، چاپ دوم، ۲۰۰۹.

